

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۸ سپتمبر ۲۰۲۰

"غنی احمدزی" جاده صاف کن "سلطه طالب!"

۲

دوشنبه ۱۷ سنبله ۱۳۹۹ - کابل:

۵ - بادر نظر داشت این که "غنی احمدزی" یکی از سه ضلع مثلث شومیست که در پیشاپیش اشغالگران امریکائی و شرکاء و جهت حفظ و ذخیره طالب برای فردا ها، بر کشور ما هجوم وحشیانه و خونبار امپریالیسم را تدارک و خیر مقدم گفتند و در خدمت ستراتیژی دراز مدت امریکا به منظور نجات طالب از خشم طوفانزای خلق ما، در عملیاتهای تارومار کننده امپریالیسم شرکت ورزیدند و همسو با دو همکار جنایتکار و وطنفروشش "حامدکرزی و زلمی خلیلزاد"، تا توانستند امکان و بستریقاء و رشد مجدد طالب را در داخل و خارج از کشور مهیا ساختند و بادر نظر داشت این که "غنی احمدزی" حتا قبل از رسیدن به قدرت چه بسا به مثابه پیش شرط رسیدن به قدرت، در حدی که برایش مقدور بود برای احیاء و تقویت طالب جانفشانی نمود، به جرأت نوشته می توانیم که در تمام تحولاتی که بر نهاد ها و احزاب موافق و یا مخالف طالب در افغانستان به وجود می آید، "غنی احمدزی" دست بالایش را در آن تحول و تغییر دارد.

۶ - این که یک نهاد و یا تشکل ارتجاعی و ضد مردمی تجزیه و متلاشی گردد، امریست نیک و مطابق خواست مردم، مگر این را هم نباید فراموش نکرد که این تلاشی و تجزیه به چه منظور و جهت تحقق کدام اهدافی صورت می گیرد. به عبارت رساتر هرگاه یک نهاد ارتجاعی و ضد مردمی که بر اساس اشتهاش در جنایت و وطنفروشی، می شود گفت تاریخ تیر شده است، چنان متلاشی گردد که دیگر نام و نشانی از آن نماند و عاملان و دست اندرکاران آن نهاد مورد مؤاخذه قرار گیرند، امریست قابل استقبال؛ مگر تلاشی چنان نهاد تاریخزده و به جای آن با همان خط فکری حتا با جذب تعدادی از گردانندگان همان نهاد که دستان شان به خون خلق آغشته است، تشکل دیگری را با امکانات وسیع به وجود آوردن، نه تنها امر نیک و مترقی نیست بلکه در ذات خود به مثابه دشمن تکامل و ترقی و مانع پیشرفت و شکوفائی، می تواند روند تکامل رهائی خلق ها را از بند استعمار و ارتجاع به تأخیر انداخته سخت ارتجاعی و ضد انقلابی نیز می باشد..

۷ - هرگاه خواسته باشیم، این اصل را در افغانستان و در مورد نهاد های منوط به اسلام سیاسی و بقیه وطنفروشان تطبیق نمائیم، می بینیم:

جواسیس تکنوکرات آمده از غرب، به منظور یافتن امکان نفوذ بین مردم با برخورداری از پشتوانه نامحدود مالی و تسلیحاتی با داران شان، به مانند زالو به جان تمام نهادهائی که در افغانستان سابقه داشتند، افتاده از تمام طیف ها اعم از چپ و راست، تمام آنهائی را که در آنها ظرفیت خیانت به وطن وجود داشت، از پیکر نهاد های اصلی شان جدا ساخته، تا توانستند احزاب و نهاد ها را متلاشی و تجزیه نمودند. چنانچه با یک نگاه مختصر به احزاب رسمی می بینیم که از درون "حزب اسلامی گلبدین"، چند حزب اسلامی دیگر به مانند چوچه های گزدمی که از بطن مادر زائیده می شوند، بیرون آمده در کنار قساوت و بی رحمی به ارث برده از باند "گلبدین" و شخص وی فساد و چور و چپاول را نیز به انتها رسانیدند، همچنان در درون "جمعیت اسلامی" بعد از قتل رهبر و بنیانگذارش "برهالدین ربانی"، همچنین در درون "جنبش دوستم"، نهاد مربوط به "گیلانی"، مربوط به "حزب وحدت"، مربوط به "افغان ملت"، مربوط به "خلق و پرچم" و بقیه. چنانچه طیف وطنفروشان نسل دوم از قماش "ارغندی وال ها، فاروق وردک ها، قانونی ها، صالح ها، عبدالله ها، عطاء ها، فایق ها، ناجی ها، طاهر زهیر ها، مرتضوی ها، دانشها" و ده ها و صد ها وطنفروش دیگر همه به دور خوان یغما و غارت امپریالیسم امریکا و شرکاء جمع شده، کشور ما افغانستان را به نمایشگاه جواسیس بین المللی مبدل نموده اند.

۸- در اینجا سؤالی که مطرح می گردد این است: کدام نیروها از این وضعیت سود می برند:

* - نخستین نیروئی که از این وضعیت به صورت مستقیم سود می برد امپریالیسم امریکا و شرکاء است. چه: هرگاه دو دهه قبل از را به خاطر داشته باشیم به یاد می آوریم که حین آغاز تجاوز خونبار امپریالیسم امریکا و شرکاء بر افغانستان طیف جواسیس تکنوکرات در کل از تعداد انگشتان دست و در نهایت دست و پای تجاوز نمی نمود یعنی امپریالیسم آمده بود و کشور ما را اشغال نموده بود بدون آن کادر لازم جهت حفظ منافع امپریالیسم را در دراز مدت در اختیار داشته باشد.

آنها جهت رفع این کمبود از دو طریق اقدام نمودند، یکی تربیت افراد از طریق "انجو" ها و دیگری جذب افراد از اردوی طماع و آماده خدمت اسلام سیاسی. هر چند در آغاز روی ده ها دلیل بیشتری توجه امپریالیستهای اشغالگر به "انجو" ها معطوف بود مگر گذشت زمان ثابت ساخت که گذشته از زمان بر بودن آن روند، ظرفیتی را که عناصر مربوط به باند ها اسلام سیاسی در وطنفروشی، جنایت، اختلاس و نوکری امپریالیسم دارا هستند، بسیار مشکل است در دیگر افراد پیدا و حتا پرورش داد، از همین رو آنها، ضمن دلجوئی از "انجو" ها و زنده نگهداشتن برخی از آنها، روی به طرف جذب افراد و عناصر وابسته به اسلام سیاسی آوردند و از درون نهاد های اسلام سیاسی به اصطلاح "روشنفکران آنها را از جمع "رهبران سنتی" آنها جدا ساخته به خود ملحق نمودند.

* - دومین نیروئی که از تلاشی ها و تجزیه ها سود خواهد برد، طالب است. چه بادر نظر داشت این که احزاب وابسته به اسلام سیاسی در نهایت نمی توانند با طالب در صلح و آرامش به سربرند و سرانجام بین آنها جنگهای خونینی اتفاق می افتد، از همین اکنون تجزیه آن نهادها که بالقوه دشمن طالب اند و یا می توانند به دشمن طالب استحاله بیابند، کاریست به نفع طالب. این همان کاریست که "غنی احمدزی" به مثابه جاده صاف کن "سلطه طالب" انجام می دهد. یعنی کاری را که "حامدکرزی" با انتقال طالب به اقصا نقاط کشور انجام داد و کاری را که "خلیلزاد" حین به اصطلاح مذاکرات صلح با طالب به نفع آنها انجام داد، اینک "غنی احمدزی" از طریق پراکنده ساختن و متلاشی ساختن رقبای طالب انجام می دهد.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشاندگی می باشد!

سرکها ما را می طلبند!